

دستمزدهای نازلی که به هیچ وجه کفاف یک زندگی شایسته را به کارگران نمی دهند و عدم پرداخت همین دستمزدها به مدت چندین ماه و حتی یکی دوسال، اعمال شرایط وحشیانه استثمار در محیط های کار ،فقدان کمترین استانداردهای امنیتی و بهداشتی در کارخانه ها، رواج وسیع قراردادهای ظالمانه موقت و سفید امضاء، استثمار ظالمانه زنان و کودکان، فقدان هر گونه بیمه کارگری، اخراجهای فله ای، فقدان حق برخورداری از کمترین تشکلهای مستقل کارگری گوشه ای از اوضاع فاجعه بار و مشکلات جان فرسایی ست که طبقه کارگر ایران در نتیجه ۳۰ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی با آن روبروست. شرایط وحشیانه ای که دولت فریب کار و دروغگوی احمدی نژاد مزدور می کوشد آن را به حد کمال رسانده و با اجرای طرح ضد مردمی موسوم به " هدمند کردن یارانه ها"، طبقه کارگر ایران را در جهت تامین منافع امپریالیستها و نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم هر چه بیشتر به گرداب فقر و بیکاری و گرسنگی سوق دهد. در چارچوب چنین شرایطی ست که ما می بینیم امسال یکی از کارگران محروم و بجان آمده از استثمار سرمایه داران و مظالم حکومت مدافع آنان، در روز اول ماه مه خود را در جلوی دانشگاه به آتش می کشد و با پایان دادن به زندگی خود فریاد اعتراض خود از شرایط ظالمانه و نکبت بار موجود در جامعه و خشم و نفرت خویش از وحشیگری دژخیمان حاکم را در انظار عمومی به نمایش می گذارد.

واقعیات برشمرده فوق به نوبه خود نشان می دهند که طبقه کارگر ما بیش از هر زمان دیگر در سالهای اخیر، درگیر یک جدال مرگ و زندگی با شرایط جهنمی و غیر انسانی ای شده است که نظام ضد خلقی حاکم برای او بوجود آورده است.

البته کارگران مبارز ما هیچ گاه در طول بیش از سه دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و یورشانی که سرمایه داران وابسته به حیات و هستی آنها سازمان داده اند از پا ننشسته اند و برغم مواجه با یک شرایط پلیسی مطلق و سرکوبگرانه همواره برای تحقق حقوق انسانی و عادلانه خویش به مبارزه پرداخته اند. وقوع روزمره اعتراضات و اعتصابات کارگری بر علیه پایمال شدن حداقل حقوق صنفی و سیاسی کارگران و تلاشهای بی وقفه کارگران آگاه و مبارز برای ایجاد تشکلهای صنفی خود، جلوه ای از این واقعیت یعنی عدم توقف مبارزات طبقه کارگر ایران در مقابل دیکتاتوری حاکم برغم تمامی سرکوبهای انجام شده را نشان می دهد. اما مبارزات طبقه کارگر ایران به گواه شواهد موجود برغم تمامی دلاوریهایی که در جریان آن صورت گرفته همواره از پراکندگی صفوف کارگران رنج برده است، و تجربه نشان داده که تازمانی که این واقعیت تداوم یابد امید زیادی به بهبود شرایط فاجعه بار زندگی کارگران ما در میان نخواهد بود.



امسال کارگران رنجدیده و مبارز ما در بسیاری از شهرهای کشور بار دیگر در ابعاد و سطوح مختلف روز جهانی کارگر را گرمای داشتند. با وجود فضای بگیر و ببندی که جمهوری اسلامی در این روز راه انداخته بود و برغم کنترلهای شدید امنیتی و تحت فشار قرار دادن وسیع فعالین کارگری و اعمال فشارهای امنیتی به آنها، با وجود میلیتاریزه کردن وسیع محلهای تجمع کارگران برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر که جمهوری اسلامی عملاً آنرا به رسمیت نمی شناسد، و بالاخره با وجود سرکوب و ضرب و شتم و دستگیری شرکت کنندگان در تجمعات کارگری این روز، کارگران در تهران، مشهد، قزوین، اراک، تبریز، اصفهان، سنجند، شیراز و ... دست به تجمع زده و در هر کجا که توانستند با سر دادن شعار و از جمله شعار "مرگ بر دیکتاتور"، خشم و اعتراض خویش بر علیه شرایط فاجعه بار زندگی خویش که نتیجه منطقی سلطه نظام استثمارگرانه حاکم می باشد را به نمایش گذاردند.

واقعیت این است که فرا رسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در ایران زیر حاکمیت رژیم سرکوبگر و ضد کارگری جمهوری اسلامی، هر ساله فرصتی ست که اوضاع معیشتی و اقتصادی وخیم طبقه کارگر از یکسو و چشم انداز مبارزات کارگران با طبقه حاکم و رژیم مدافع آن از سوی دیگر با برجستگی بیشتری در مقابل دید افکار عمومی فرار می گیرد. امسال نیز کارگران محروم ایران در شرایطی به استقبال روز جهانی خود رفتند که کمرشان در زیر بار استثمار و غارت سرمایه داران زالو صفت و دولت حامی آنان خم شده و دیکتاتوری حاکم با اعمال یک خفقان و سرکوب شدید در محیط های کارگری و در سطح جامعه تسمه از گرده آنان کشیده است.



پاسخ این سوال را باید در تجربه عینی سالها مبارزات خود طبقه کارگر در چارچوب جامعه تحت سلطه ما یافت. این تجارب نشان می دهند که تا زمانی که نظام سرمایه داری وابسته که دیکتاتوری، رونیای ذاتی آن است بر کشور ما حاکم است، امکان بوجود آوردن و از آن مهمتر بقا و تداوم تشکلهای مستقل کارگری توده ای در چارچوب چنین نظامی وجود ندارد. به همین دلیل هم مبارزات طبقه کارگر ما و انرژی بیکران و تاریخساز این طبقه باید مانع اصلی تشکل یابی خود یعنی رژیم دیکتاتور جمهوری اسلامی را که حامی و مدافع سیستم سرمایه داری در ایران است را آماج حملات خود قرار دهد. تنها در مسیر پیشرفت چنین مبارزه ای ست که با شکاف برداشتن سد دیکتاتوری امکان تشکل و سازمانیابی طبقه کارگر ایران مهیا می گردد. وظیفه پیشروان طبقه کارگر و نیروهایی که به این طبقه دورانساز تعلق دارند است تا این واقعیت را با تمام توان در میان کارگران پژواک داده و در جهت نابودی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و دیکتاتوری عنان گسیخته ناشی از آن گام بر دارند. واقعیت این است که کارگران نیروی عظیم برای تغییر بنیادین نظام استثمارگرانه کنونی می باشند و این امر وابسته است به متشکل شدن آنها. در نتیجه به نسبتی که بتوانند در جهت برطرف نمودن موانع تشکل و سازمانیابی سیاسی و صنفی خود گام بردارند قادر خواهند شد در جهت این رسالت تاریخی حرکت نمایند.

در این جاست که باید به این واقعیت توجه داشت که پراکندگی و تشتت در صفوف کارگران خود معلول یک عامل مهمتر یعنی دیکتاتوری عنان گسیخته جمهوری اسلامی در جامعه ماست که وجود کمترین سازمانیابی در بین کارگران و تلاش برای ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی توده ای در میان آنها را بر نمی تابد و هرگونه کوشش برای بوجود آوردن حداقل اتحاد و تشکل طبقاتی در صفوف کارگران را با سرکوب و بگیر و ببند و زندان و شکنجه و اعدام کارگران پاسخ می دهد. البته این دیکتاتوری قائم به ذات نیست یعنی بدون نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران نمی توان آن را از بین برد. در هر حال دیکتاتوری حاکم هرگز تلاشهای کارگران مبارز ما برای ایجاد تشکلهای صنفی ای که با قبول چارچوب قوانین ضد خلقی جمهوری اسلامی در جهت بهبود اوضاع معیشتی کارگران و محدود کردن ابعاد هجوم افسارگسیخته سرمایه داران به حقوق آنها حرکت میکنند نیز تحمل نکرده و تلاش های مبارزاتی کارگران در این جهت تاکنون از سوی سرمدمداران رژیم حاکم با سرکوب و بریدن زبان و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری توسط رژیم حاکم پاسخ گرفته است. برآستی در شرایطی که به اعتراف خود مقامات جمهوری اسلامی هرگونه تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا و اتحادیه های صنفی نیز مستقیما با "امنیت" نظام ضد خلقی آنها سر و کار پیدا کرده و با آن برخورد "امنیتی" می شود، چه چشم اندازی در مقابل این نیاز مهم کارگران وجود دارد؟

روز معلم، روز تشدید اعتراضات معلمان کشور!

با شدت گیری وخامت اوضاع کار و زیست معلمان زحمتکش تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، بخشی از معلمان کشور با صدور اعلامیه ای ضمن اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات و خواستههای خود و صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی، اعلام کردند که از ۱۲ اردیبهشت ماه که روز معلم می باشد تا ۱۸ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا خواهند زد. در این اعلامیه معلمان معترض با تاکید بر این امر که در حال حاضر "بهترین معلمان کشور در زندانها بسر میبرند." خواهان آزادی معلمان بازداشت شده و تحقق خواستههای بر حق خود شدند. اما رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در روزهای منتهی به ۱۲ اردیبهشت با وحشی گری تمام ضمن دستگیری فعالین حقوق معلمان و حضور گسترده نیروهای انتظامی خویش مانع از برگزاری وسیع تجمع معلمان و حرکت حق طلبانه آنها شد.

نگاهی به وضعیت معلمان زحمتکش و خواستههای عادلانه آنها نشان می دهد که گرچه مطالبات معلمان خواستههایی همچون افزایش حقوق، رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تامین امنیت شغلی و اجتناب از پرونده سازی و بالاخره ایجاد یک نظام حقوقی هماهنگ با سایر کارمندان دولت خواسته هائی بدیهی و بر حق می باشند ولی جمهوری اسلامی از پذیرش همین خواستهها نیز سرباز زده و معلمانی را که خواهان تحقق این مطالبات می باشند را شدیداً تحت پیگرد و اذیت و آزار قرار می دهد. این سرکوبها در شرایطی هر روزه رخ می دهد که رژیم از زبان رئیس جمهور یاوه گویایش مدعی شده که ایران "آزادترین کشور جهان" می باشد. احمدی نژاد در شرایطی چنین وقیحانه سخن می گوید که معلمان، این "آزادترین کشور جهان" فریاد برآورده اند که "بهترین معلمان کشور در زندانها بسر میبرند." اتفاقاً نگاهی به همین خواستههایی که در بالا مورد اشاره قرار گرفته و بویژه خواست نظام عادلانه حقوقی و آزادی معلمان زندانی به خودی خود نشان می دهد که معلمان از فقدان آزادی در رنج و عذاب اند و به همین دلیل هم خواهان آزادی و رفع محدودیت ها و سرکوبگریهای دیکتاتوری حاکم می باشند.

واقعیت این است که در شرایطی که نهاد های دولتی خط فقر را ۹۰۰ هزار تومان گزارش داده اند، حقوق اکثریت معلمان کشور با فاصله بزرگی زیر خط فقر قرار دارد و خود این امر نشان می دهد که اکثریت آنها در سخت ترین شرایط بسر برده و گرانی و فقر آنچنان آنها را احاطه کرده که چاره ای جز مبارزه برای زنده ماندن در مقابلشان وجود ندارد. در این حال رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی هر گونه تلاش برای تجمع و ایجاد حداقل تشکلهای صنفی برای احقاق حقوق ابتدایی معلمان را نیز بشدت در هم کوبیده و بسیاری از معلمان مبارز و آزادیخواه را بجرم پیگیری حقوق عادلانه معلمان به زندان انداخته است. اما برغم این سرکوبها معلمان به مبارزه و مقاومت خود ادامه داده و با تداوم تلاشهایشان هر بار چهره و ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی را در افکار عمومی به نمایش می گذارند. تجربه نشان داده که تحمیل کوچکترین خواستهها به رژیمی که جز زبان زور نمی شناسد جز از طریق تشدید مبارزه و اعتراض که راه را برای سرنگونی جمهوری اسلامی هموار می کند، امکان پذیر نمی باشد. این واقعیتی است که مبارزات تاکنونی معلمان معترض نیز آنرا به اثبات رسانده است.



تشکیل دادسرای ویژه ایرانیان خارج از کشور، ترفند جدید جمهوری اسلامی!

مقامات رژیم همواره یافتن راه ها و بکار بردن تاکتیکهایی بوده که هر چه بیشتر امکان تشکل و اتحاد ایرانیان مبارز خارج کشور را محدود نموده و از دامنه مبارزات آنها بر علیه خود بکاهد و سعی کند که در خارج کشور نیز جو خفقان و تسلیم را حاکم کند. درست برای پیشبرد چنین هدفی ست که ما شاهد بوده ایم در یک دوره مقامات جمهوری اسلامی با ترور وحشیانه فعالین سیاسی و نمایش آن کوشیدند که مبارزات خارج از کشور را سرکوب و مبارزین را مقهور قدرت ضد خلقی خویش سازند. بر عکس آنها در یک دوره دیگر با چراغ سبز نشان دادن به ایرانیان تبعیدی و باز کردن راه برای رفت و آمد آزادانه آنها به داخل کشور سعی کردند که مقاومت نیروهای فعال در مبارزه خارج کشور را تحلیل برده، در صفوف آنها پراکندگی ایجاد کرده و در ضمن در جریان این رفت و آمدها به داخل کشور با دادن امتیازات مادی و معنوی حقیرانه برای دستگاه جاسوسی و ترور خود نیرو جذب کنند. اما این تاکتیکهای ضد خلقی برغم تاثیرات کوتاه مدت هیچکدام نتوانستند رژیم جمهوری اسلامی را در رسیدن به اهداف ضد خلقی اش یعنی ایجاد سکوت قبرستان در خارج کشور موفق سازد. سیاست ایجاد دادسرا برای ایرانیان خارج کشور پرده ای دیگر از تلاشهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی برای مقابله با مبارزات ضد رژیمی خارج کشور می باشد.

امروز نیز تصمیم اخیر مقامات رژیم برای تشدید فشار به ایرانیان مبارز در خارج کشور و تهدید آنها به تعقیب قضایی، در شرایطی اعلام می گردد که مساله گسترش مبارزات ایرانیان در ده ها شهر و کشور اروپایی و آمریکایی در ماه های اخیر که با خیزش بزرگ مردم ما همراه است، مشکلات بسیاری را برای جمهوری اسلامی و سفارتخانه های آن ایجاد کرده و کوس رسوایی جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم جهان را هر چه بیشتر به صدا درآورده است. در چنین شرایطی فعالین سیاسی در خارج از کشور وظیفه دارند با تشدید اعتراضات خود و افشای دسیسه های جمهوری اسلامی اجازه ندهند که دشمن با چنین ترفند هائی در همبستگی مبارزاتی آنها اخلاص نماید.

اخیرا مرتضی بختیاری وزیر دادگستری جمهوری اسلامی اعلام کرده که در حال ایجاد "دادسرا" یی به منظور تعقیب ایرانیان خارج کشور است. رژیمی که در طول سالها با توجه به شمار بزرگ ایرانیان و سازمانها و تشکلهای مبارز در تبعید همواره با فریبکاری تمام می کوشید مبارزات و تلاشهای آنها را بی اهمیت و فاقد کمترین تاثیری برای ثبات و قدرقدرتی حکومت سرکوبگر خویش جلوه دهد، اکنون با رسوایی و خواری مجبور شده برای زدودن تاثیرات مبارزات آنها، با عصبیت تمام به تهدید و دندان نشان دادن به آنها بپردازد و از تشکیل "دادسرا" برایشان دادسرخن دهد! وی در جریان یک گفتگو در ارتباط با بازگشت پناهندگان سیاسی به ایران در حالی که مطرح می کرد که: " با توجه به حضور دستگاه های امنیتی در شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، این دستگاه ها در این زمینه تصمیم گیری می کنند" تاکید نمود که "دادسرای ویژه ای" برای ایرانیان مقیم خارج کشور تشکیل خواهد شد. به این ترتیب جمهوری اسلامی با تشکیل دادسرای ویژه ای برای تعقیب فعالین سیاسی در خارج از کشور، قصد دارد موانع جدیدی در مقابل مبارزات افشاگرانه آنها بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایجاد نماید. قصد تحت تعقیب قرار دادن فعالین سیاسی در خارج از کشور به خودی خود نشان می دهد که رژیم چقدر از مبارزات ایرانیان خارج از کشور که با اعتراضات خود در طول ۳۰ سال گذشته چهره دامنش این حکومت را در افکار عمومی مردم جهان افشاء می سازند خشمگین است، و تداوم آن را یک مشکل امنیتی برای منافع ضد خلقی خویش می بیند. دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی می کوشند که با تبلیغ حول این اقدام خویش فضای ترس و وحشت از اختناق و سرکوب را در میان ایرانیان مبارز خارج از کشور نیز تشدید کند و به این ترتیب آنها را از ادامه مبارزه و حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران بازدارد. امری که قبل از هر چیز عجز و ناتوانی مقامات حکومت در برخورد با ایرانیان خارج کشور و تداوم مبارزات آنها را نشان می دهد.

در ارتباط با برخورد ضد خلقی جمهوری اسلامی با ایرانیان و مبارزات خارج از کشور در سه دهه گذشته، کوشش

تداوم درگیری های مسلحانه در غرب کشور

به گزارش خبرگزاریهای دولتی در جریان یک درگیری مسلحانه در شمال غرب کشور سه نفر از نیرو های سپاه پاسداران کشته شدند. این ۳ تن در منطقه خوی کشته شدند. مطابق این گزارش، مزدوران رژیم به دست نیرو های "ضد انقلاب" کشته شده اند اما اعلام نشده که منظور رژیم از نیرو های "ضد انقلاب" چه نیروهائی می باشد! در ماه های اخیر درگیریهای مسلحانه متعددی در استانهای غربی رخ داده است. در چارچوب همین درگیریها، در دی ماه سال گذشته نیز به گزارش رژیم در شهرستان خوی، دادستان انقلاب جمهوری اسلامی بدست نیروهای موسوم به پژاک کشته شد. بر حسب گزارشات منتشر شده، پژاک جریانی است که مقامات امریکائی با آن در ارتباط می باشند.



- ۷- ابوالفضل عبداللهی، برق کار، بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید
- ۸- سعید عباسی، ۲۸ ساله، در اثر شلیک گلوله جانیان به شهادت رسید
- ۹- میثم عبادی، ۱۷ ساله، کارگر فرش فروش در فلکه صادقیه با اصابت گلوله به شکمش به شهادت رسید
- ۱۰- عباس دیسناد، کارگر در بازار، ۴۸ ساله در اثر ضربات باتون بر سرش به شهادت رسید.



عکس مزار برخی از کارگران جان باخته در خیزش اخیر

انتشار خبر گلباران مزار کارگران جانباخته در روز جهانی کارگر در شرایطی ست که تعداد بسیار زیادی از کارگرانی هم که در جریان خیزش توده ای ماه های اخیر دوشادوش توده ها با فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر دیکتاتور مخالفت خود را با کل نظام ضدخلقی جمهوری اسلامی اعلام کردند، دستگیر شده و همچنان در سیاه چالهای جمهوری اسلامی به سر می برند. در این مورد گفتنی است که خانواده های کارگران اسیر شده به دست دژخیمان جمهوری اسلامی، کوچکترین خبری راجع به وضعیت و سرنوشت آنها ندارند. بطور مثال خانواده یکی از این دستگیر شدگان به نام ایوب قنبر پوریان، کارگر ساختمانی اهل لرستان مدت ده ماه است که از او خبری نداشته و دژخیمان رژیم اجازه ملاقات خانواده اش با او را نمی دهند. وی پس از دستگیری مدتی را زیر شکنجه قصابان جمهوری اسلامی به سربرده و هم اکنون نیز به همراه دستگیر شدگان دیگر در حالت بلاتکلیف قرار دارد.

انتشار اخبار فوق در مورد کارگران جانباخته و دستگیر شده نه تنها جلوه ای از حد جنایت و وحشی گری رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در حق توده های تحت ستم ما را نشان می دهد بلکه بر واقعیت حضور گسترده کارگران بجان آمده کشور ما در جنبش اعتراضی توده های تحت ستم پس از انتخابات فرمایشی که مورد انکار نیروهای ضد خلقی است نیز مهر تایید می زند. واقعیت این است که در جنبش عظیم اخیر ایران - بر خلاف تلاش رسانه های ضد خلقی که می خواستند آن را به "طبقه متوسط" واهی و ذهن ساخته خویش نسبت دهند- از میان همه افشار و طبقات خلق شرکت داشتند. در این میان کارگران، با توجه به شرایط وخیم مادی حاکم بر حیاتشان و در حالی که زندگیشان در نتیجه حاکمیت طبقه سرمایه دار و حکومت مدافع منافع غارتگرانه آنها هر روز بیش از پیش در معرض نابودی قرار گرفته، با رادیکالترین شعارها و خواسته ها در صفوف جنبش اعتراضی در جامعه تحت سلطه ما قرار داشته اند.

در یک سال گذشته در جریان ماه ها تظاهرات و اعتراضات دلاورانه توده های به پا خاسته ما بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، تعداد زیادی از جوانان دلیر و از جمله کارگران مبارز و به جان آمده ما توسط دستگاه سرکوب رژیم کشته و زخمی و یا دستگیر و زندانی شدند. در این رابطه، از ابتکارات مبارزاتی ارزشمندی که در اول ماه مه امسال در تهران انجام شد، گلباران مزار کارگران قهرمانی بود که در جریان خیزش توده ای ماه های اخیر توسط دژخیمان جنایتکار جمهوری اسلامی در تهران به خاک و خون غلطیدند. در آستانه روز جهانی کارگر، کارگران مبارز و خانواده های دستگیر شدگان وقایع سال گذشته با گلباران کردن مزار شماری از کارگران جانباخته در جریان خیزش های توده ای این سال، یاد و راه آنها را گرامی داشتند.

بنا به گزارشات منتشره، اسامی برخی از کارگرانی که در ماه های اخیر در صفوف توده های به جان آمده در مبارزه با رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی جان باختند به شرح زیر است:

- ۱- محمود رئیسی نجفی
- ۲- بهمن جنابی خوش، ۱۹ ساله، کارگر لوله کش و تاسیسات لوازم برقی
- ۳- احمد نجاتی، فرزند علی، ۲۲ ساله، کارگر که با ضربات باطوم به شهادت رسید
- ۴- سجاد قائد رحمتی، اهل درود لرستان،
- ۵- حسین اختر زند، اهل اصفهان،
- ۶- فرزاد جشنی ۱۹ ساله، فرزند جعفر، اهل ایلام، که برای کار به تهران رفته بود.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdeghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: ipfq@hotmail.com

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

